

The Extent of the Effect of the Intensifying Factors of the Geography of the Islamic World on the Realization of the New Islamic Civilization

Mohammad Hossein Soltani

ABSTRACT

The geography of the Islamic world includes various intensifying factors which, considering the specific conditions of the regions in which the Islamic countries have developed, are mostly capable enough to have serious effects on the realization of the new Islamic civilization due to their being of doubled significance. This article has been written by studying the extent of the intensifying factors of the geography of the Islamic world on the realization of the new Islamic civilization, as well as with the aim of identifying those factors in the Islamic world. The method used in this research is descriptive-analytical. However, it uses survey method for the purpose of analyzing the variables. Considering the criteria and indicators determined in the analysis, we decided that from among indicators, those such as the Muslim population, the solidarity of Islamic countries, the geostrategic conditions, and the resources and reserves of energy are more effective in bringing about unity and solidarity and power in the Islamic world than other ones in order to achieve the objectives related to realizing the new Muslim civilization. Generally speaking, the intensifying forces of geography of the Islamic world world are effective only when the human factors can play their role very well, in that these factors have always been existed, and forever they will exist. The aligned and applied policies adopted by the human force (the resolute nations and authoritative states) is the very thing that is capable of converting these factors into a power for the Islamic world; otherwise, these factors can cause the geography of the Islamic world to be dominated by the great powers, something that has been true in the past and is mostly so today.

KeyWords: *intensifying factors; geopolitics; the Islamic world; the new Islamic civilization*

تأثیر عوامل برترساز جغرافیای جهان اسلام بر تحقق تمدن نوین اسلامی

محمد حسین سلطانی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

چکیده

جغرافیای جهان اسلام دارای عوامل متعدد برترساز در جهان کنونی است که با توجه به شرایط خاص مناطقی که کشورهای اسلامی در آن گسترش یافته‌اند، اغلب آن‌ها دارای اهمیت و حساسیت مضاعفی هستند که می‌توانند بر تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرات جدی بگذارند. این مقاله با بررسی این موضوع (میزان تأثیرگذاری عوامل برترساز جغرافیا جهان اسلام بر تحقق تمدن نوین اسلامی) و با هدف اصلی شناسایی این عوامل در جهان اسلام به رشته تحریر درآمده است. با توجه به تأثیرشگرف برخی از این عوامل مانند جمعیت مسلمانان، پیوستگی جغرافیایی، نقاط حساس و راهبردی، منابع و مخازن و ذخایر انرژی کشورهای اسلامی در معادلات بین‌المللی، جهان اسلام می‌تواند با بهره‌گیری از سیاست‌های هم‌سو و هماهنگ و تأکید بر مشترکات در آینده شاهد تحقق تمدن نوین اسلامی مورد نظر امامین انقلاب اسلامی باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی، تحلیلی است، ولی برای تجزیه و تحلیل متغیرها، از رویکرد پیمایشی استفاده شده است، با توجه به شاخص‌ها و ملاک‌های تعیین شده در تجزیه و تحلیل به این نتیجه رسیدیم که شاخص‌های جمعیت مسلمانان، پیوستگی کشورهای اسلامی و موقعیت ژئواستراتژیک و معادن، مخازن و ذخایر انرژی بین سایر شاخص‌ها دارای اثرگذاری بیشتری بر وحدت و انسجام و قدرت جهان اسلام در جهت نیل به اهداف تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد. به‌طور کلی عوامل برترساز جغرافیای جهان اسلام در صورتی می‌توانند تأثیرگذار باشند که عوامل انسانی بتوانند نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند؛ زیرا این عوامل طبیعی همیشه بوده و خواهند بود. آنچه که می‌تواند این عوامل را از حالت بالفعل به بالقوه تبدیل کند، سیاست‌های هم‌سو و کاربردی است که به‌وسیله نیروی انسانی (یعنی ملت‌های بااراده و دولت‌های مستقل و مقتدر) اتخاذ می‌گردد و می‌تواند این عوامل را به عامل قدرت جهان اسلام تبدیل کند، درغیراین صورت، این عوامل خود می‌توانند باعث سلطه قدرت‌های بزرگ بر جغرافیای جهان اسلام شوند. کما اینکه در گذشته و حال اکثراً این‌گونه بوده است.

کلید واژه‌ها

عوامل برترساز؛ ژئوپولیتیک؛ جهان اسلام؛ تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

وسعت زیادی از کره خاکی را کشورهای اسلامی با پیوستگی جغرافیایی تشکیل داده‌اند. این گستره، دربرگیرنده منطقه اسلام مرکزی و اسلام پیرامونی است که مجموع عظیم مسلمانان جهان را دربرمی‌گیرد. جمعیت جهان اسلام براساس برآوردهای خوش‌بینانه، بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون نفر است. عمده این جمعیت‌ها در قالب ملیت‌های مختلف، پیرو دین اسلام هستند. گستره جهان اسلام حدود یازده هزار کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی‌ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود ۶ هزار کیلومتر عرض جغرافیایی، از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را دربرمی‌گیرد.

اسلام مرکزی شامل کشورهایی است که مردم آن در سال‌های آغازین گسترش اسلام به این دین گرویدند. اسلام پیرامونی، قسمت‌هایی از جهان اسلام است که در سده‌های بعدی، اسلام را به‌عنوان یک آیین آسمانی برای خود انتخاب کردند. علاوه‌براین گستره، امروزه مسلمانان در همه کشورهای دنیا حضور دارند. جمعیت مسلمانان در برخی کشورهای اروپایی، اگرچه در اقلیت هستند، ولی اقلیت مؤثر را تشکیل می‌دهند که به‌مثابه اکثریت قابل‌ملاحظه‌ای می‌باشند.

جغرافیای جهان اسلام دارای عوامل و شاخصه‌های گوناگونی می‌باشد که هرکدام به‌نوبه‌خود دارای اهمیت است. این عوامل که در حوزه جغرافیای انسانی و طبیعی قرار دارند عبارت است از جمعیت مسلمانان، پیوستگی جغرافیایی، ذخایر انرژی و معدنی، موقعیت راهبردی، تنگه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی، وسعت، هیدروپلیتیک^۱ و رودخانه‌ها و دریاها. مسئله موردنظر این تحقیق این است که آیا عوامل برترساز جغرافیایی کشورهای اسلامی می‌توانند بر ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی اثرگذار باشند و اگر می‌توانند کدام‌یک در الویت قرار دارند و به چه میزان تأثیرگذارند.

نیروی انسانی، عوامل پیوستگی جغرافیایی و قابلیت‌های ژئوپولیتیکی این فرصت را در اختیار جهان اسلام قرار می‌دهد که با استفاده از الگویی متناسب با شرایط موجود در کشورهای اسلامی، زمینه را برای ایجاد یک قدرت جهانی فراهم نماییم.

1. Hydro-Politics

از مفاهیم ژئوپولیتیک جهان اسلام تاکنون برداشت‌های متفاوتی شده است، ولی غالباً مفاهیم آن به هم نزدیک است. این مفاهیم در ادبیات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به دفعات مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه مورد استفاده و معنای مورد نظر از این عبارات در مواضع گوناگونی قابل تبیین است، اما کاربرد این واژه‌ها در ادبیات معظم‌له علاوه بر موضع توصیف و تحلیل، دامنه‌ای وسیع‌تر را شامل می‌شود و حتی حوزه‌های راهبردی و تکلیفی را نیز دربرمی‌گیرد.

ژئوپولیتیک به لحاظ کارکردی ماهیت‌های مختلفی در طول یک‌صد سال اخیر داشته است، گاه در خدمت جنگ و گاه در خدمت صلح بوده و گاهی نیز منطقه‌بندی‌های جهانی را موجب شده و زمانی نیز خطوط منطقه‌گرایی‌های اقتصادی را در عرصه روابط بین‌الملل ترسیم نموده است. امروزه تقسیم بندی‌های گوناگونی از نظر ژئوپلتیسین‌ها در جهان وجود دارد که در بسیاری از آنها تغییر و تحولات پس از جنگ سرد دیده می‌شود...» (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

علی‌رغم اینکه، بخش‌های وسیعی از جغرافیایی کره زمین و مواهب آن در اختیار کشورهای اسلامی است، ولیکن در صحنه‌های بین‌المللی همچنان دچار وادادگی و حقارت هستند و دلیل آن عدم وحدت و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود آنهاست و این درحالی است که مهم‌ترین نقاط راهبردی جهان و بیشترین ذخایر انرژی و معدنی در جغرافیایی کشورهای اسلامی قرار دارد. بنابراین ضرورت دارد که در جهت ایجاد قدرت برای امت اسلامی به این موضوع مهم پرداخته شود که چه عواملی می‌توانند در ایجاد وحدت و تحقق تمدن نوین اسلامی، بیشترین اثر خود را داشته باشند. تحقیقات میدانی و مطالعات صورت‌گرفته گواه این مسئله است که مهم‌ترین عوامل برترساز جهان اسلام که در حال حاضر اکثر آنها بالفعل هستند و می‌توان آنها را به بالقوه درآورد، در حوزه جغرافیایی انسانی و طبیعی کشورهای اسلامی قرار دارند که برخی از این عوامل عبارتند از: جمعیت، مذهب، زبان، اقوام، سرزمین، وسعت، نقاط حساس و راهبردی، منابع انرژی و معدنی و... بنابراین، ما در این تحقیق به دنبال شناسایی مهم‌ترین عوامل برترساز جغرافیای جهان اسلام و میزان و تعیین الویت تأثیرگذاری آنها بر ایجاد وحدت و تحقق تمدن نوین اسلامی هستیم.

از مهم‌ترین ابعاد اهمیت این موضوع، می‌توان به هم‌راستایی آن با اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران و مطالبات مقام معظم رهبری در فرمایشات متعدد اشاره نمود و از طرفی برخی پیامدهای منفی از جمله پیشی گرفتن گفتمان‌های معارض و مخالف و جایگزین شدن آن توسط نظام سلطه و طراحی و برنامه‌ریزی برای مقابله با ایده تمدن نوین اسلامی متصور می‌باشد. بنابراین، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یکی از تلاش‌های علمی و عملی برای شناخت عمیق عوامل تأثیرگذار در پی‌ریزی و تحقق تمدن نوین اسلامی متکی بر نظرات امامین انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گیرد و مهم‌تر اینکه دستیابی به ایده تمدن نوین اسلامی، مستلزم وحدت و انسجام و ایجاد قدرت در ابعاد مختلف بین مسلمانان جهان می‌باشد و این مهم با آگاهی دادن ملت‌ها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های نهفته و بالفعل آنان (عوامل تأثیرگذار ژئوپولیتیک) میسر خواهد شد.

هدف این تحقیق شناخت و بررسی میزان تأثیر عوامل برترساز جغرافیای جهان اسلام بر تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد که به دنبال آن عوامل مهم، میزان تأثیر نسبی و اولویت هریک قابل تبیین خواهد بود.

سؤال اصلی: آیا عوامل برترساز جغرافیای جهان اسلام می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشد؟ در ادامه سؤال اصلی، دو سؤال فرعی دیگر نیز مطرح می‌شود که:

۱. عوامل برترساز جغرافیای جهان اسلام که مؤثر بر تحقق تمدن نوین اسلامی هستند، کدامند؟

۲. الویت تأثیرگذاری و میزان تأثیر هریک چیست؟

روش تحقیق مورد استفاده، روش توصیفی، تحلیلی می‌باشد. در مرحله اول برای شناخت و بررسی عوامل ژئوپولیتیک و عوامل تأثیرگذار از روش توصیفی و در مرحله دوم از طریق مطالعه میدانی (جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه) صورت پذیرفته است که برای تجزیه و تحلیل تأثیر متغیرها از روش تحلیلی استفاده شده است.

این پژوهش از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات در زمره تحقیقات پیمایشی است. این تحقیق در سه مرحله به شرح جدول زیر اطلاعات و داده‌ها را جمع‌آوری می‌نماید.

مرحله اول با استفاده از اسناد، کتب و منابع موجود، مطالعات اکتشافی صورت می‌گیرد. در مرحله بعدی نظرات افراد خبره و متخصصین مرتبط با موضوع پژوهش از طریق تحقیق پیمایشی انجام می‌شود و در مرحله آخر با استفاده از مبانی نظری، پرسشنامه محقق‌ساخته به‌صورت پیمایشی در جامعه نخبگان توزیع، تکمیل و جمع‌آوری شد. محیط تحقیق نخبگان علوم نظامی و سیاسی در محیط دانشگاهی در سطح شهر تهران است.

جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید، نخبگان، صاحب‌نظران و فرماندهان آشنا به مسئله ژئوپولیتیک و جهان اسلام می‌باشند که به تعداد ۴۰ نفر با مدرک دکتری و عضو هیئت‌علمی و مدرک کارشناسی ارشد، انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Excel و تکنیک استنباطی آماری ناپارامتریک آمار استنباط کلی آزمون دوجمله‌ای، فریدمن، آزمون همبستگی پیرسون، آلفای کرونباخ با روش تحقیق آمیخته یا ترکیبی (توصیفی - تحلیلی) انجام می‌شود.

مطالعه روند فعلی ژئوپولیتیک جهان اسلام و تمدن نوین اسلامی با استفاده از اسناد موجود شامل اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، بیانیه گام دوم انقلاب و سخنان امامین انقلاب اسلامی) و نظرات و منویات امامین انقلاب اسلامی؛ راهبردها و سیاست‌هایی که در این حوزه موجود می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از مبانی نظری و پیشینه اقدام، ژئوپولیتیک جهان اسلام و تمدن نوین اسلامی و مدل‌های موجود مرور شد.

ادبیات نظری پژوهش

الف. مفهوم شناسی

ژئوپولیتیک: هارتشون^۱ معتقد است: «ژئوپولیتیک عبارت است از کاربرد دانش و تکنیک‌های جغرافیای سیاسی در مسائل بین‌المللی» (پاسیون^۲، ۱۹۸۵).

1. Richard Hartshorn
2. Pacione

ایولاست^۱ جغرافیدان فرانسوی می‌گوید: «ژئوپولیتیک، مجموعه پیچیده‌ای از نیروهای متخاصم و متعددی است که با سرزمین‌هایی با ابعاد کوچک خواه به‌منظور برتری سیاسی و خواه برای بیرون‌راندن رقبای باهم به کشمکش می‌پردازند» (ایولاست، ۱۹۸۹).

پیتر تایلور^۲ جغرافی‌دان سیاسی انگلیسی و بنیان‌گذار فصلنامه معروف «جغرافیای سیاسی» می‌نویسد: «ژئوپولیتیک عبارت است از، مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (تیلور^۳، ۱۹۹۳).

پلینوو روی التون، معتقد است که ژئوپولیتیک رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیشگویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی برحسب محیط طبیعی است. بنابراین، رویکرد ژئوپولیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی است (جک سی، ۱۳۹۵: ۹۷).

ژئوپولیتیک یعنی کنش متقابل مؤلفه‌های جغرافیا و سیاست که منجر به بسط و ارتقای قدرت (در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) می‌شود و در نتیجه آن توسعه و نفوذ حاصل می‌گردد (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۰).

در حوزه واژگان علوم انسانی، تعاریف به‌اندازه‌ای گسترده و متنوع می‌باشند که جمع‌آوری آنها به‌تنهایی حجم زیادی را دربرمی‌گیرد و از آنجا که این تعاریف به‌صورت مکرر در یادداشت‌های مختلف و کتاب‌ها تکرار شده است. نگارنده با استفاده از مجموعه تعاریف از ژئوپولیتیک که هرکدام دارای کار ویژه‌های خاص خود می‌باشند، در تحقیق حاضر از تعریف دکتر حافظ‌نیا به‌عنوان مدل اصلی برای تحقیق استفاده کرده است و معتقد است که ژئوپولیتیک در اثر کنش متقابل سیاست و جغرافیا و قدرت تولید می‌شود، موضوع ژئوپولیتیک را روابط متقابل عناصر مزبور و رفتار گروه‌های انسانی متشکل نسبت به یکدیگر بر پایه ترکیب جغرافیا، قدرت و سیاست تشکیل می‌دهد. بنابراین، ژئوپولیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط

1. Ivlacost
2. Peter James Taylor
3. Taylor

متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷).

عوامل جغرافیایی - سرزمینی

بخشی از عوامل قدرت جغرافیای هر کشور است. صاحب‌نظرانی که به بررسی مبادی قدرت ملی پرداخته‌اند از جغرافیا به‌عنوان یکی از بسترهای اصلی قدرت یاد کرده‌اند. حتی برخی جغرافیا را اصلی‌ترین عامل قدرت ملی تلقی کرده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل).

جهان اسلام

به جهان اسلام «دارالاسلام» نیز می‌گویند و منظور از این قلمرو مناطقی است که انسان‌های معتقد به مبانی اسلامی را در خود جای داده است و شامل همه گروندگان این مذهب صرف‌نظر از خاک، رنگ، پوست، نژاد، زبان و... می‌گردد (گلی زواره، ۱۳۸۵: ۷۳).
درواقع، امروزه جهان اسلام به اصطلاح به سرزمین‌هایی می‌گویند که پیشینه مردمان آن پیرو دین اسلام باشند که در حال حاضر سرزمینی با ترکیب متنوع از نظر ویژگی‌ها انسانی و بسترها و شرایط طبیعی را شامل می‌شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱).

تمدن نوین اسلامی

در تحقیق حاضر از تعریف امام خامنه‌ای یعنی ارائه سبک زندگی و مدنیت جدید بر پایه احکام و قوانین مترقی اسلامی در گستره جهان به‌عنوان مدل اصلی برای تحقیق استفاده کرده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

ب. محیط‌شناسی منطقه جهان اسلام

جهان اسلام

جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیعی است که بدنه اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و در مجموع شامل قسمت عمده آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷: ۵۵).

جهان اسلام و جامعه اسلامی

به مجموعه کشورها و نواحی اسلامی و انعکاسات فرهنگی و سیاسی آن جهان اسلام و

کل جمعیت مسلمان جهان اعم از اکثریت ساکن در سایر کشورهای اسلامی و اقلیت‌های ساکن در سایر کشورها از جمله آمریکا، اروپا و شرق آسیا را جامعه اسلامی می‌نامیم که با پیوند تعالیم عالیه اسلامی یک مجموعه واحد و مشابهی را نشان می‌دهند (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۱: ۶۴).

ساختار فضایی: جغرافیایی جهان اسلام که از جنوب شرق آسیا تا غرب آفریقا و جنوب شرق اروپا امتداد یافته است، شامل بیش از ۵۰ کشور می‌شود که حدود ۲۲ درصد خشکی‌های جهان را تشکیل می‌دهند. در جهان اسلام غرب آسیا از اهمیت و نقش بازیگری ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱).

عوامل برترساز ژئوپولیتیک (جغرافیایی انسانی - جغرافیایی طبیعی) جغرافیای انسانی کشورهای اسلامی

جغرافیای انسانی شامل جمعیت، نژاد، اقوام، زبان، مذهب و مهاجرت و... می‌شود که هر کدام به نوبه خود حائز اهمیت می‌باشند. منطقه غرب آسیا علاوه بر داشتن ثقل جمعیت جهان، مهد تمدن‌ها و فرهنگ‌های کهن و باسابقه‌ای نیز بوده است که در مقاطع مختلف، هریک از آنها توانسته‌اند فرهنگ و تمدن بشر را در ورای محدوده خود تحت تأثیر قرار دهند. یکی از دلایل این تأثیرگذاری، موقعیت جغرافیایی و چهارراهی این منطقه و واقع شدن آن در نقطه تلاقی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا بوده است. این منطقه وسیع‌ترین قلمروی جهان اسلام است و منطقه‌ای است که هشتاد و پنج درصد جمعیت مسلمانان جهان را در خود جای داده است. منطقه غرب آسیا از نظر بافت جمعیتی، دارای ویژگی‌های خاصی است، به گونه‌ای که در این منطقه، شش نژاد مختلف در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و سه مذهب متفاوت در آن وجود دارد. زندگی اجتماعی در غرب آسیا بسیار متنوع است.

اهمیت نیروی انسانی در قلمرو جغرافیایی غرب آسیا را باید در آن دانست که این منطقه حداکثر جمعیت جهان اسلام را در خود جای داده و از طرف دیگر از سایر عوامل ملیت برای پیوند دادن بین ساکنین خود استفاده کرده است. در این منطقه، مذهب یکپارچگی خود را حفظ کرده است، با وجود آنکه کشورهای این منطقه در موقعیت بسیار آسیب‌پذیری قرار دارند، رعایت چنین ملاحظاتی در بافت سیاسی و اجتماعی آنان موجب شده است که عامل مذهب نتواند

دستاویزی برای ایجاد بحران و بهره‌برداری‌های سیاسی در این کشورها شود. به‌علت پیوند بین عوامل ملیت، تاریخ و مذهب مردم توانستند در دورترین قلمرو جغرافیایی قطب جهان اسلام، به حیات خود ادامه دهند (عزتی، ۱۳۸۰).

براساس گزارش ۲۰۱۲ پیو^۱، ۴۹ کشور دارای اکثریت مسلمان است. حدود ۶۲٪ مسلمانان جهان برابر یک میلیارد نفر در جنوب و جنوب شرق آسیا زندگی می‌کنند. بزرگترین کشورهای اسلامی به ترتیب اندونزی با ۱۲/۷٪ مسلمانان جهان، پاکستان با ۱۱/۰٪، هندوستان با ۱۰/۹٪، بنگلادش با ۹/۲٪ هستند (نزدیک ۲۰٪ مسلمانان ساکن کشورهای عرب‌اند. در آسیای جنوب غربی ایران و ترکیه و در آفریقا مصر و نیجریه بیشترین جمعیت مسلمان را دارند).

پژوهش ۲۰۱۰ مرکز پژوهشی پیو در زمستان ۱۳۸۹ منتشر شد. این پژوهش نشان داد که مسلمانان انگلستان از لبنان و مسلمانان چین از سوریه بیشترند. پژوهش‌های پیو نشان می‌دهد که اسلام در سال ۲۰۷۵ میلادی بیشترین پیرو را در میان دین‌ها خواهد داشت (<https://fa.wikipedia.org>).

جمعیت مسلمانان در سال ۲۰۱۷ میلادی، حدود ۲۴٪ جمعیت ۶/۷ میلیاردی جهان، یعنی ۸/۱ میلیارد نفر بود. نزدیک به ۶۰٪ از مسلمانان جهان در آسیا زندگی می‌کنند. از این شمار، نزدیک به ۲۰۰ میلیون نفر شیعه و بقیه سنی هستند. (۸۵ درصد شیعه ۱۲ امامی) همچنین ۸/۰ درصد از جمعیت کشور آمریکا را مسلمانان تشکیل می‌دهند (خبرگزاری بی بی سی، ۸ اکتبر ۲۰۰۹)^۲.

جمعیت جهان اسلام بالغ بر ۱،۷۰۳،۱۴۶،۰۰۰ نفر است. پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی اندونزی است که ۲۰۴،۸۴۷،۰۰۰ نفر مسلمان دارد و کم‌جمعیت‌ترین کشور مسلمان، مالدیو است که تعداد سکنه آن به ۳۰۹،۰۰۰ نفر می‌رسد. از رقم فوق حدود ۳۱۵،۳۲۲،۰۰۰ نفر در ناحیه غرب آسیا و آفریقای شمالی و مابقی در ممالک اسلامی شبه‌قاره هند و آسیای جنوب شرقی پراکنده شده‌اند. حدود ۵۳ درصد کشورهای اسلامی در قاره آسیا توزیع شده‌اند که در این کشورها ۵۳ درصد حدود ۷۶۴،۲۸۴،۰۰۰ نفر یا جمعیت مسلمان جهان زندگی می‌کنند.

1. Pew
2. BBC

جدول ۱. فهرست مناطق جهان بر پایه جمعیت مسلمان

منطقه	مسلمانان	درصد مسلمان از کل جمعیت کشور	درصد جمعیت مسلمانان جهان
آسیای مرکزی	۵۴,۰۰۰,۰۰۰	۸۰/۰	۳/۰
آسیای جنوبی	۵۰۷,۲۸۴,۰۰۰	۳۱/۴	۳۰/۶
جنوب شرقی آسیا	۲۵۷,۰۰۰,۰۰۰	۱۲/۰	۱۵/۰
غرب آسیا - آفریقای شمالی (منا)	۳۱۵,۳۲۲,۰۰۰	۹۱/۲	۲۲/۹
جنوب صحرای آفریقا	۲۴۲,۵۴۴,۰۰۰	۲۹/۶	۱۵/۰
اروپا	۴۴,۱۳۸,۰۰۰	۶/۰	۲/۷
امریکا	۵,۲۵۶,۰۰۰	۰/۶	۰/۳
کل جهان	۱,۷۰۳,۱۴۶,۰۰۰	۲۳/۴	۱۰۰/۰

جغرافیای طبیعی کشورهای اسلامی

قلمرو جغرافیایی جهان اسلام را که از اکثریت جمعیت بیش از ۵۰ درصد مسلمان، برخوردار است می‌توان به یازده منطقه جغرافیایی محدودتر شامل جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، فلات ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، اروپای جنوب شرقی، شمال آفریقا، شرق آفریقا، غرب آفریقا، آفریقای مرکزی و شبه‌جزیره عربستان تقسیم کرد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱).

جهان اسلام، دربرگیرنده محدود وسیعی است که از ساحل غربی اقیانوس اطلس در امریکای جنوبی تا حد سواحل غربی اقیانوس آرام در قاره آسیا را دربر گرفته است. این وسعتی که کشورهای اسلامی را در خود جای داده است، از نظر موقعیت جغرافیایی و گستردگی طولی و عرضی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده، حدود ۲۲ درصد از مجموع خشکی‌های جهان را دربرمی‌گیرد و بخش‌های وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا و بخش‌های کوچکی از قاره اروپا و امریکا را شامل می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۵ و ۲۴۴).

از نظر موقعیت جغرافیایی سرزمین‌های اسلامی بین ۶۱ درجه طول غربی (از نصف‌النهار گرینویچ) و ۱۳۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۲۵ درجه عرض جنوبی و ۵۵ درجه شمالی از

خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور عضو سازمان اجلاس اسلامی کشور گویان در قاره آمریکا و شمال امریکای جنوبی و شرقی‌ترین آن کشور اندونزی واقع در جنوب شرق آسیاست. شمالی‌ترین کشور قزاقستان واقع در آسیای مرکزی و جنوبی‌ترین کشور اسلامی موزامبیک در جنوب قاره آفریقا است (گلی زوار، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

وسعت سرزمینی جهان اسلام

کل جهان اسلام با وسعتی بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع حدود ۲۲ درصد مساحت خشکی‌های کره زمین را دربرمی‌گیرد که بدنه اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس و شمال آفریقا تا غرب آسیای اسلامی، آسیای مرکزی، جنوب غربی آسیا، بخش بزرگی از هند، تمام بنگلادش و کشورهای جنوب شرق آسیا و درحقیقت بخش عمده‌ای از قاره‌ی آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا را شامل می‌شود. کل مساحت جهان اسلام حدود سه برابر قاره‌ی اروپا و نزدیک چهار برابر وسعت قاره‌ی اقیانوسیه است که این وسعت و موقعیت نسبی و ریاضی از منظر جغرافیای سیاسی و دیدگاه‌های ژئوپولیتیکی حائز اهمیت است (صفوی، ۱۳۸۷: ۷۳ - ۷۴).

موقعیت ژئوپولیتیکی برتر جهان اسلام

جهان اسلام شامل ۵۷ کشور مسلمان است که به لحاظ راهبردی از سوی غرب با جهان مسیحیت (سکولار و لائیک) مواجه است و از سوی شرق با بودیسم و هندوئیسم روبه‌روست. این کشورها در سه قاره و پنج منطقه جغرافیایی پرجمعیت و برخوردار از غنای تاریخی، اقتصادی و تمدنی قرار دارند. از نگاهی دیگر کشورهای اسلامی در پنج منطقه جغرافیایی به شرح زیر نیز تقسیم‌بندی شده‌اند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

موقعیت ژئواستراتژی جهان اسلام (تنگه‌ها و آبراهه‌ها)

تنگه‌ها و آبراهه‌های بزرگ مصنوعی از عوارض درخورذکر در جهان اسلام به‌شمار می‌روند. این عوارض به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی در ارتباطات بین‌الملل، نقش مهم و روزافزونی در جغرافیای سیاسی جهان دارند و تقریباً در سراسر قلمرو اسلامی از مغرب تا مشرق دیده می‌شوند. اهمیت سوق‌الجیشی تنگه‌های جبل طارق در مغرب جهان اسلام، مرمه و داردانل در ترکیه، سوئز، باب‌المندب و هرمز در غرب آسیا و مالاکا در آسیای جنوب شرقی

بیشتر از بقیه است و نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت مردم جهان دارند (دره میرحیدر، ج ۱: ۲۰۶).

وجود گذرگاه‌های عبور اجباری یا تنگه‌های راهبردی که کلیه نقل و انتقالات دریایی (تجاری - نظامی) از این گذرگاه‌ها و گلوگاه‌ها صورت می‌گیرد عبارت است از:
- تنگه مالاکا رابطه میان دو اقیانوس کبیر و هند را برقرار می‌کند، در گذشته جزئی از کشور اسلامی مالزی به‌شمار می‌رفته است.

- تنگه باب‌المندب بین کشورهای یمن و جیبوتی که دریای سرخ را به خلیج عدن و در نتیجه به اقیانوس هند ارتباط می‌دهد و حدود ۷ درصد واردات نفتی اروپای غربی از طریق این تنگه صورت می‌گیرد که خط‌سیر بزرگ‌ترین کشتی‌های تجاری شرق و غرب در اقیانوس هند و دریای سرخ است.

- کانال سوئز در شمال شرق مصر که دریای مدیترانه و دریای سرخ را به هم مرتبط می‌سازد و حدود ۱۰ درصد صادرات نفتی منطقه‌ی خلیج‌فارس به آمریکا و اروپای غربی امروزه از طریق این کانال انجام می‌شود. دولت مصر توجه خاصی به حفظ امنیت این کانال دارد و تکرار اشغال ساحل شرقی توسط رژیم صهیونیستی می‌تواند یک فاجعه ملی باشد (در سال ۱۹۶۷ کانال سوئز در اثر اشغال صحرای سینا توسط رژیم صهیونیستی بسته شد).

- تنگه جبل‌الطارق که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس پیوند می‌دهد و در جنوب این تنگه کشور مراکش واقع شده است که یکی از پررفت و آمدترین آبراهه‌های میان‌اقیانوسی جهان است و روزانه ۱۵۰ کشتی از آن عبور می‌کند.

- تنگه‌های بسفر و داردانل در جغرافیای ترکیه و در مسیر پیوند دریای سیاه به دریای مدیترانه قرار دارند. تنگه‌های داردانل و بسفر، به ترتیب با پهنای حداقل ۷۵٪ و ۳۳ مایل درازای ۳۶ و ۱۷ و ژرفای ۹۱ - ۴۶ و ۴۹ متر، در دریای مرمره ترکیه واقع شده‌اند. شناورهایی که بین دریای اژه و سیاه در رفت و آمدند، ناچارند بیش از ۳۲۰ کیلومتر راه را در آب‌های ترکیه عبور کنند.

- تنگه هرمز که خلیج‌فارس را به اقیانوس هند متصل می‌سازد و روزانه حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت از آن عبور می‌کند. خلیج‌فارس دریای نیمه‌بسته‌ای است که بازوی اقیانوس هند

به شمار می‌رود و تنگه هرمز کلید آن محسوب می‌شود. تنگه هرمز در نظریه‌های ژئوپولیتیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. براساس نظریه اسپایکمن، تنگه هرمز مرکز ریملند است و بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی ریملند را به هم پیوند می‌دهد. تنگه هرمز بین خلیج فارس و دریای عمان که حدود ۱۰۰ مایل دریایی (۱۸۲ کیلومتر) طول دارد و از شمال به ایران و از جنوب به جزیره مسندام عمان محدود می‌شود، باریک‌ترین بخش آن بین جزیره ایرانی لارک و جزیره کوچک عمانی قوئین کبیر، ۲۱ مایل دریایی عرض دارد (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران به اندازه‌ای برجسته است که اکثر نظریه‌پردازان درخصوص آن اتفاق نظر دارند. واقع شدن در چهار راه ارتباطی بین شرق مدیترانه، آسیای مرکزی و قفقاز، جنوب شرق آسیا و خاور دور، تسلط بر خلیج فارس و تنگه هرمز و شاه‌راه ارتباطی بین کشورهای محصور در خشکی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، ایران را به یکی از نقاط مهم جهان تبدیل کرده است.

موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌هایی چون روسیه و حوزه نفوذ آمریکا قرار دارد. قرارگرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به‌طور طبیعی جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. ایران با پانزده کشور دارای مرز آبی و خاکی است (پایگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل).

منابع طبیعی (معادن و ذخایر زیرزمینی)

منابع طبیعی که منشأ آن خاک و تلاش و فعالیت انسان در زمین است. اساس این نوع منابع طبیعی، کشاورزی و دامداری است که کشورهای اسلامی عمدتاً از این منابع برخوردارند، منابع طبیعی در صنعت نیز نقش اساسی دارند، وابستگی بشر به مواد معدنی که از ویژگی‌های شاخص عصر جدید به شمار می‌رود، یکی از عوامل تمرکز قدرت سیاسی جهان امروز است. هر کشوری برای دستیابی به استقلال، پیش از هر فعالیتی، باید نیازهای اولیه غذایی مردم خود را تأمین نماید؛ زیرا خودکفایی در این زمینه، نقشی ارزنده در تعیین سرنوشت سیاسی کشورها دارد، موقعیت جغرافیایی و اکونومیک کشورهای اسلامی بیانگر این موضوع می‌باشد.

ازلحاظ منابع آب، جهان اسلام بسیار غنی است. اکثریت کشورهای مسلمان در نقاطی واقعند که به آب‌های آزاد جهان دسترسی داشته و حتی برخی در گلوگاه‌های راهبردی تنگه‌ها

و آبراهه‌های جهان قرار گرفته‌اند. خود این کشورها نیز دارای دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های متعددی هستند. دریا‌هایی که کشورهای اسلامی بر سواحل آن واقع شده‌اند، عبارت است از: دریای مدیترانه واقع بین آفریقای شمالی، اروپای جنوبی و آسیای غربی. دریای سیاه در شمال ترکیه، دریای مرمره در شمال غربی این کشور که رابط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه است. دریای مرمره قسمت آسیائی ترکیه را از بخش اروپائی جدا می‌کند. دریای سرخ که حدفاصل بین شبه‌جزیره عربستان و آفریقای شرقی است. دریای آدریاتیک در غرب آلبانی و جمهوری بوسنی و هرزگوین - دریای عمان در جنوب جمهوری اسلامی ایران (صفوی، ۱۳۹۲).

منابع عظیم انرژی

نفت و گاز در جهان اسلام؛ چشم‌انداز عمومی اقتصاد کشورهای اسلامی بیانگر وابستگی عمیق مرکز جغرافیایی جهان اسلام به انرژی نفت و گاز است. بنا بر آمار سال ۱۳۷۳ ش/ ۱۹۹۴م، حدود ۷۳ درصد نفت خام جهان و ۳۹ درصد گاز طبیعی جهان در کشورهای اسلامی است. کانون‌های اصلی این منابع، به ترتیب، خلیج فارس و حاشیه آن، آفریقای شمالی، شام و آسیای جنوب شرقی (اندونزی و مالزی) است (محمد عبدالمجید عامر، ج ۱: ۴۰۹).

آسیای میانه به‌عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی در جهان، نقطه قوت دنیای اسلام است. حوزه خلیج فارس که بخش اساسی و اصلی غرب آسیا را تشکیل می‌دهد، دارای ۶۷۹ میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت (نزدیک به ۶۶ درصد از کل ذخایر جهان) و ۱۹۱۸ تریلیون فوت مکعب، ذخیره گازی (۳۰ درصد کل ذخایر گازی جهان است. ۶۶ درصد نفت خام دنیا در اختیار شش کشور حوزه خلیج فارس قرار دارد. چهار کشور عربستان، ایران، عراق و کویت، بیشترین منابع انرژی را دارند. همچنین ایران، دومین و قطر، سومین کشور دنیا به لحاظ دارا بودن ذخایر گاز طبیعی هستند. امروز، این ویژگی، محرز شده و منطقه خلیج فارس با محوریت انرژی، یک منطقه کاملاً ژئوپولیتیک است و منافع قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تعارض با برخی کشورهای منطقه از جمله ایران است. تا زمانی که منطقه، منابع و ذخایر قابل توجه انرژی را در دل خود داشته باشد، منطقه‌ای ژئوپولیتیک خواهد بود. نکته قابل توجه آنکه از مجموع (شانزده تریلیارد و چهارصد و هفتاد و چهار تریلیون و ششصد میلیون

دلار) کل تجارت جهانی در سال ۲۰۰۴ سهم کشورهای اسلامی (یک تریلیارد و سیصد و هفتاد و سه تریلیون و نه صد و بیست و نه میلیون دلار) بوده است و از این میان تنها (یک صد و چهل تریلیون و شش صد و چهل میلیون دلار (۱۴ درصد) آن در کشورهای اسلامی انجام شده است (عسگری، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

جدول ۲. مقایسه ذخایر گاز طبیعی کشورهای اسلامی با برخی از کشورهای دیگر

رتبه	کشور	ذخایر ثابت گاز طبیعی متر مکعب	درصد از مجموع	تاریخ
-	مجموع جهان	۱۸۷,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۰۰	12 June 2013 est.
۱	روسیه	۴۸,۸۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۲۶,۱۶	12 June 2013 est.
۲	ایران	۳۴,۰۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۷,۹۳	12 June 2013 est.
۳	قطر	۲۵,۴۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۳,۳۹	1 January 2010 est.
۴	ترکمنستان	۷,۵۰۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۳,۹۵	1 January 2010 est.
۵	عربستان	۷,۴۶۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۳,۹۲	1 January 2010 est.
۶	امریکا	۶,۹۲۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۳,۶۴	1 January 2010 est.
۷	نیجریه	۵,۲۴۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۲,۷۶	1 January 2010 est.
۸	الجزایر	۴,۵۰۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۲,۳۷	1 January 2010 est.
۹	عراق	۳,۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱,۶۷	1 January 2010 est.
۱۰	اندونزی	۳,۰۰۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱,۵۸	1 January 2010 est.
۱۱	مالزی	۲,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱,۲۴	1 January 2010 est.
۱۲	اتحادیه اروپا	۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱,۱۸	1 January 2010 est.
۱۳	ازبکستان	۱,۸۴۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۰,۹۷	1 January 2010 est.
۱۴	کویت	۱,۷۹۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۰,۹۵	1 January 2010 est.
۱۵	مصر	۱,۶۵۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۰,۸۷	1 January 2010 est.
۱۶	لیبی	۱,۵۳۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۰,۸۱	1 January 2010 est.

فهرست کشورها بر پایه ذخایر گاز طبیعی، براساس کتاب حقایق جهان منتشر شده است.

OPEC در ۲۷ فوریه ۲۰۱۸ توسط Wayback Machine, accessed. Dec 2013

جدول ۳. مقایسه ذخایر نفت و گاز کشورهای اسلامی با کشورهای جهان

کشورهای جهان	کشورهای اسلامی	غرب آسیا	یمن	سوریه	عراق	ایران	عربستان سعودی	واحد
۱۲۰۰/۷	۹۰/۱/۱	۷۴۲/۷	۲/۹	۳/۰	۱۱۵/۰	۱۳۷/۵	۲۶۴/۲	ذخایر اثبات شده نفت خام میلیارد بشکه
*	%۷۵/۱	%۶۱/۹	%۰/۲	%۰/۲	%۹/۶	%۱۱/۵	%۲۲/۱	درصد سهم از نفت خام جهان سال ۲۰۰۵
۸۱۰۸۸	۳۷۲۷۵	۲۵۱۱۹	۴۲۶	۴۶۹	۱۸۲۰	۴۰۴۹	۱۱۰۳۵	میزان تولید نفت خام (هزار بشکه در روز)
*	*	%۳۱	%۰/۵	%۰/۶	%۲/۳	%۵/۱	%۱۳/۵	درصد سهم از تولید نفت جهان
۱۷۹/۸۵	۱۰۱		۱۸/۳	۱۷/۵	*	۹۳	۶۵/۶	نسبت ذخایر نفت خام به تولید
%۴۳	%۵۷	۷۲/۱۳	۰/۴۸	۰/۳۱	۳/۱۷	۲۶/۷۴	۶/۹	میزان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی
۲۷۶۲/۹	۷۶۹/۱	%۴۰/۱	%۰/۳	%۰/۲	%۱/۸	%۱۴/۹	%۳/۸	درصد سهم از گاز طبیعی جهان
%۷۳/۸	%۲۶/۲	۲۹۲/۵	-	۵/۴	-	۸۷	۶۹/۵	میزان تولید گاز طبیعی (میلیارد مترمکعب)
*	*	%۱۰/۶	-	%۰/۲	-	%۳/۱	%۲/۵	سهم از تولید گاز جهان سال ۲۰۰۵
*	*	*	*	۵۷/۳	*	*	۹۹/۳	درصد نسبت ذخایر گاز طبیعی

منبع: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، آمارهای تجاری سپتامبر ۲۰۱۴

جامعه آماری پژوهش در مجموع شامل ۵۱ کشور اسلامی می‌شود که دارای دو ویژگی می‌باشند:

۱. عضو سازمان کنفرانس اسلامی باشند؛

۲. حداقل ۳۰ درصد مردم آن کشور را مسلمانان تشکیل دهند.

تقسیم‌بندی کشورهای اسلامی براساس برخورداری از منابع طبیعی همچون نفت و گاز به این شرح است: کشورهای اسلامی نفتی شامل ایران، عراق، عربستان، کویت، قطر، لیبی، امارات، الجزایر، نیجریه، اندونزی، برونئی، بحرین، عمان، سوریه و یمن. کشورهای اسلامی بدون نفت آذربایجان، افغانستان، بنگلادش، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، مالزی، ازبکستان، مالدیو، قزاقستان، اردن، فلسطین، لبنان، بوركینافاسو، چاد، تانزانی، سنگال، کومور، گینه، مالی، نیجر، جیبوتی، سودان، تونس، مراکش، مصر، موریتانی، آلبانی، ترکیه، بوسنی و هرزگوین، گینه بیسائو، سیرالئون، گامبیا، ساحل عاج و سومالی است (سازمان همکاری اسلامی).^۱

1. Organization of Islamic Cooperation

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پاسخ به سؤالات مطرح شده که آیا عوامل بر ترساز جغرافیای جهان اسلام می‌توانند بر تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشند؛ ابتدا با مراجعه به اسناد و جامعه آماری به وسیله مصاحبه و پرسشنامه اقدام به احصای عوامل جغرافیا نموده و سپس بین آنها عوامل بر ترساز جغرافیای جهان اسلام که بر تحقق تمدن نوین اسلامی مؤثر می‌باشند، مشخص شد و در ادامه با تعیین الویت‌بندی به میزان تأثیرگذاری آنها پرداخته شد که خلاصه نتایج انتزاعی از پاسخ مصاحبه‌شوندگان در خصوص نقش عوامل بر ترساز جغرافیا در تحقق تمدن نوین اسلامی به شرح زیر است.

۱. کدامیک از عوامل جغرافیایی طبیعی و یا جغرافیای انسانی در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش اساسی‌تری دارند؟

اکثر کسانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، نقش جغرافیای انسانی را عامل اصلی در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند که با نتایج بعد جغرافیا و نقش جمعیت کشورهای اسلامی که بالاترین میانگین را بین عوامل جغرافیایی داشته است، هم‌سو و سازگاری داشته است.

۲. باتوجه به این‌که عوامل ژئوپولیتیک به‌ویژه عوامل طبیعی ثابت مانند تنگه‌ها و آبراه‌ها، موقعیت کشورها و... همیشه بوده و خواهند بود؛ چرا تاکنون باعث وحدت و انسجام امت‌ها و کشورهای اسلامی نشده است؟

عامل اصلی تحقق تمدن اسلامی انسان‌ها هستند و عوامل طبیعی به‌عنوان ابزار کمک‌دهنده محسوب می‌شوند. اگر این انسان‌ها بتوانند به‌طور صحیح از این منابع استفاده کنند، موفق می‌شوند و گرنه مثل سابق اینها ابزار تسلط دشمنان بر کشورهای اسلامی می‌شوند.

این سیاست‌ها هستند که می‌توانند کارکرد عوامل ژئوپلیتیک به‌ویژه منابع طبیعی را در جغرافیای جهان اسلام تغییر دهند و چون در کشورهای اسلامی یک سیاست واحد وجود نداشته و ندارد، فلذا مانع وحدت و انسجام امت‌ها و کشورهای اسلامی شده است. عدم وجود اهتمام کافی برای بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی این عوارض باعث عدم کامیابی ملت‌های اسلامی شده است. دلیل نا کارآمدی این منابع طبیعی تاکنون در مرحله اول فقدان یک سیاست هماهنگ و همسو در بین امت اسلامی و دولت‌های مستقر در کشورهای اسلامی و در مرحله

دوم سیاست‌های استعماری ابرقدرت‌ها و نظام سلطه در مستضعف قراردادن امت اسلامی و دولت‌های آنها بوده است. این تأییدکننده و همسو با ارتباط بسیار بالای سیاست با تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

۳. بهره‌برداری کشورهای اسلامی از عوامل طبیعی مهم مانند سرزمین، موقعیت، تنگه‌ها و آبراه‌ها و... و عوامل انسانی مانند جمعیت و... در چه شرایطی می‌تواند به تحقق تمدن نوین اسلامی کمک کند؟

شروط تحقق تمدن نوین اسلامی از دید مصاحبه‌شوندگان عبارتند از: تحول در انسان‌ها، اتکای آنان به اسلام ناب و خدامحوری، وحدت میان ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، انقلابی‌بودن ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، همگرایی ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، آگاهی‌بخشی به ملت‌ها، براندازی برخی دولت‌های بی‌لیاقت و وابسته به نظام فاسد کنونی جهانی، بیداری امت اسلامی، فکر و اندیشه، داشتن اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، تعیین آرمان‌ها و اهداف متعالی، گفتمان انقلابی و مقاومت، ظلم‌ستیزی که این موارد، پیش‌شرط تشکیل و تحقق امت واحده اسلامی می‌باشند.

باتوجه به شاخص‌های مطرح‌شده و بررسی روابط بین آنها، درنهایت پرسشنامه نهایی بین ۴۰ نفر از صاحب‌نظران توزیع و و پس از جمع‌آوری نتایج آن در جدول زیر منعکس شد.

جدول ۴. شاخص‌های مربوط به بُعد جغرافیا

ردیف	شاخص‌های بعد جغرافیا	میانگین	انحراف معیار	رتبه میانگین
۱	آیا جمعیت کشورهای اسلامی می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی در آن کشورها اثرگذار باشد؟	۴/۱۱	۰/۷۳۷	۵/۵۲
۲	آیا پیوستگی جغرافیای کشورهای اسلامی می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی اثرگذار باشد؟	۳/۸۶	۰/۹۳۲	۴/۸۴
۳	آیا معادن و منابع و ذخایر انرژی در جهان اسلام می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین در کشورهای جهان اسلام اثرگذار باشد؟	۳/۸۲	۰/۸۱۹	۴/۸۴
۴	آیا موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی می‌تواند بر تشکیل تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی اثرگذار باشد؟	۳/۷۹	۰/۹۵۷	۴/۶۱
۵	آیا تنگه‌ها و آبراه‌های راهبردی جهان که در جغرافیای کشورهای اسلامی قرار دارند می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی اثرگذار باشد؟	۳/۷۵	۰/۹۲۸	۴/۴۸

ردیف	شاخص‌های بعد جغرافیا	میانگین	انحراف معیار	رتبه میانگین
۶	آیا وسعت و تنوع سرزمین‌های جهان اسلام می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی اثرگذار باشد؟	۳/۶۸	۰/۹۰۵	۴/۱۶
۷	آیا هیدروپلیتیک جهان اسلام می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین در کشورهای جهان اسلام اثرگذار باشد؟	۳/۵۷	۰/۸۳۶	۳/۸۴
۸	آیا رودخانه‌ها و دریاها و منابع آبی می‌تواند بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی در جهان اسلام اثرگذار باشد؟	۳/۴۶	۰/۹۶۲	۳/۷۱
مقدار آزمون مربع کای: ۱۶/۱۱۲		درجه آزادی: ۷		سطح معنی‌داری: ۰/۰۲۴

یافته‌های جدول بالا، گویای این مطلب می‌باشد که شاخص جمعیت کشورهای اسلامی اثرگذار بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی، دارای بیشترین میانگین (۴/۱۱) و شاخص رودخانه‌ها و دریاها و منابع آبی در جهان اسلام اثرگذار بر تحقق تمدن نوین اسلامی در کشورهای جهان اسلام دارای کم‌ترین مقدار میانگین (۳/۴۶) می‌باشد و همچنین باتوجه به آزمون فریدمن مقدار آزمون مربع کای (۱۶/۱۱۲) و همچنین سطح معنی‌داری ۰/۰۲۴ تفاوت بین رتبه شاخص‌های بعد جغرافیا معنی‌دار می‌باشد؛ به‌طوری‌که شاخص جمعیت کشورهای اسلامی اثرگذار بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی در رتبه اول؛ شاخص پیوستگی جغرافیای کشورهای اسلامی اثرگذار بر تحقق تمدن نوین اسلامی در رتبه دوم؛ شاخص وجود معادن و منابع و ذخایر انرژی در جهان اسلام اثرگذار بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین در کشورهای جهان اسلام در رتبه سوم و شاخص رودخانه‌ها و دریاها و منابع آبی بر تحقق تمدن نوین اسلامی موردنظر امامین انقلاب اسلامی در جهان اسلام در رتبه آخر قرار دارد.

جدول ۵. نتایج پایایی پرسشنامه‌ها

ابعاد	مؤلفه‌ها	تعداد شاخص	آلفای کربنباخ
ژئوپولیتیک جهان اسلام	جغرافیا	۸ سوال	۰/۸۳۳

تحلیل عوامل ژئوپولیتیک

در این بخش عناصر و مؤلفه‌های عوامل برترساز ژئوپولیتیک جغرافیا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. عواملی همچون موقعیت حساس و برتر جهان اسلام، وجود منابع نفت و

گاز، وجود تنگه‌های بین‌المللی و جمعیت قابل ملاحظه از جمع شاخص‌های ژئوپولیتیکی در این تحقیق بوده است.

در شناخت شاخص‌های جغرافیایی (مطرح شده) (۸ شاخص) جمعیت کشورهای اسلامی با کسب ۵/۵۲ نمره از ۷ نمره، اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار ژئوپولیتیکی محسوب شده است. بعد از جمعیت کشورهای اسلامی، به ترتیب پیوستگی جغرافیای کشورهای اسلامی با ۴/۸۴ نمره و معادن و منابع و ذخایر انرژی در جهان اسلام با ۴،۸۴ نمره و موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی با ۴/۶۱ نمره از ۷ نمره، عامل مهمی بر تحقق تمدن نوین اسلامی بوده است. همچنین می‌توان گفت وجود تنگه‌های ژئواستراتژیک و منابع آبی که جزئی از موقعیت جغرافیایی و خود بخشی از «ریملند» محاسبه می‌شوند با کسب ۴/۶۱ نمره از ۷ نمره، دارای اهمیت بالایی هستند. بنابراین، در یک تحلیل کلی می‌توان گفت از بین عوامل ژئوپولیتیکی برترساز جمعیت بیش از ۱/۵ میلیاردی مسلمانان، پیوستگی جغرافیایی کشورهای اسلامی و موقعیت ژئواستراتژیک و معادن، منابع و ذخایر انرژی نقش اساسی داشته است.

نتیجه‌گیری

موضوع ژئوپولیتیک یکی از مفاهیم مهمی است که در قرون متمادی به‌ویژه در سده‌های اخیر مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و دولت‌مردان بوده است و معمولاً استعمارگران در گذشته و حال به دلیل غفلت صاحبان اصلی آن یعنی دولت‌ها و ملت‌های مستقر در این مناطق، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا با تسلط و غارت این منابع، موجب ضعیف‌نگه‌داشتن ملت‌ها و دولت‌ها و تسلط آنها بر نقاط راهبردی و ژئواستراتژیک منطقه شده‌اند و در نهایت دولت‌های موجود منطقه را تحت استعمار خود درآورده‌اند.

ظهور انقلاب اسلامی ایران با تفکرات اسلامی انقلابی و نفی سلطه و سلطه‌پذیری با شعار استقلال و آزادی و نه شرقی - نه غربی این معادلات استعماری را در جهان به‌ویژه بین کشورهای اسلامی به هم ریخت.

تفکرات امام خمینی (ره) و در ادامه آن مسیر، رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، امت اسلامی را به حفظ وحدت و حرکت به سمت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، هدایت

نمود و امروزه که در گام دوم انقلاب اسلامی قرار گرفتیم، امت‌های اسلامی شاهد به‌بارنشستن بسیاری از این تفکرات می‌باشند. توجه‌دادن امت اسلامی به وظایف خود و پیروی از احکام نورانی اسلام و رهنمودهای رهبران دینی باعث حرکت عظیم آنها به سمت آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی شده است که نمونه آن موج بیداری اسلامی در اغلب کشورهای مسلمان می‌باشد.

قرائن و شواهد نشان‌دهنده آن است که جهان اسلام در آینده نه‌چندان دور (باتوجه‌به تحولات به‌وجودآمده به‌ویژه بین جوامع اسلامی و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در گام دوم انقلاب اسلامی) شاهد یک پویایی و تحول عظیم در تغییر سیاست‌ها به‌منظور حفظ وحدت و دستیابی به یک هژمونی انقلابی خواهد بود که نتیجه آن حرکت به سمت تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

محقق در این پژوهش به‌دنبال بررسی و شناخت عوامل برترساز ژئوپولیتیک در حوزه جغرافیای جهان اسلام بوده که در تحقیقات میدانی و اسنادی (مصاحبه و پرسشنامه‌ها) به این نتیجه رسیده است که چنانچه کشورهای اسلامی موقعیت ویژه جغرافیایی خود را در جهان درک نمایند، با رعایت عامل ژئوپولیتیک - ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک می‌توانند همگرایی و همبستگی میان جهان اسلام را تقویت نمایند و مقدمات تبدیل‌شدن به یک قدرت اثرگذار جهانی را فراهم کنند.

این عوامل در صورتی می‌توانند تأثیرگذاری خود را نشان دهند که عوامل انسانی نقش خود را به‌خوبی ایفا نمایند و گرنه مانند گذشته این عوامل نه اینکه موجب قدرت جهان اسلام نخواهند شد، بلکه زمینه تسلط سلطه‌گران را بر ممالک اسلامی فراهم خواهد آورد.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب، مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش را نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی بیان کرده‌اند. ایشان خطاب به جوانان می‌فرمایند، نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های

بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنای واقعی جهش ایجاد کنند.

در تحقیقات به عمل آمده به این نتیجه رسیده‌ایم که عامل سیاست که خود نیز مولود نیروی انسانی است، بیشترین نقش را در تأثیر عوامل ژئوپولیتیک برعهده دارد، زیرا جغرافیای طبیعی بالفعل هستند و همیشه وجود داشته و دارند و این هنر انسان‌هاست که بتوانند آنها را به حالت بالقوه درآورند، بسیاری از موقعیت‌های ژئواستراتژیک مانند تنگه‌های و آبراه‌ها، معادن و منابع عظیم رو و زیرزمینی از قبیل معادن مس، طلا، اورانیم و سوخت‌های فسیلی مانند نفت و گاز همچنین دسترسی به آب‌های آزاد و... در جغرافیای جهان اسلام و به‌ویژه در منطقه آسیای میانه و غرب آسیا قرار دارند.

دانشمندان بسیاری بر این عقیده‌اند که این منطقه (غرب آسیا) قلب کره زمین است و بدان جهت آن را هارتلند نام نهاده‌اند. هانتیگتن و ویل دورانت و... معتقدند قدرتی که بتواند هارتلند را در اختیار بگیرد؛ یعنی مدیریت دنیا را در اختیار دارد و دلیل آن وجود عوامل برترساز ژئوپولیتیک و نقش حساس و راهبردی این منطقه در مراودات بین‌المللی و نقش تعیین‌کننده آن را در ارتباط بین شرق و غرب و شمال جنوب می‌دانند.

بنابراین دولت‌ها و گروه‌های تأثیرگذار بین‌امتهای اسلامی می‌توانند با تبیین سیاست‌های وحدت‌آفرین و همسو و با آگاهی‌دادن به ملت‌های مسلمان و تحت ستم و مستضعف درمورد داشته‌های خود در جغرافیای جهان اسلام (که جمعیت غالب این کشورها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، به یک کانون قدرت در جهان تبدیل شوند و زمینه را برای تحقق تمدن نوین اسلامی و ظهور حضرت حجت(عج) فراهم نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۷/۲۳)، بیانات، در دیدار با جوانان خراسان شمالی.
۲. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۲/۹)، بیانات، در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی.
۳. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)؛ حافظ نیا، محمدرضا، تحلیل ژئوپلیتیک قفقاز؛ بستری برای تدوین سیاست خارجی مناسبتر در منطقه .
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی پدافند غیرعامل تاریخ انتشار (۱۳۹۷/۱۰/۲۹).
۵. جک، سی (۱۳۹۵).
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، ج دوم، قم: حوزه علمیه‌های خارج از کشور.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مبانی ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱)، چالش‌های ژئوپلیتیکی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱)، چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام.
۱۰. خبرگزاری بی بی سی، دریافت‌شده در ۸ اکتبر ۲۰۰۹
۱۱. دره میرحیدر (۱۳۷۳)، مبانی جغرافیای سیاسی، ج ۱.
۱۲. صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام، تهران: انتشارات شکیب.
۱۳. صفوی، سیدیحیی (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، ژئوپلیتیک جهان اسلام.
۱۴. عزتی، ع. (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. عسگری، سهراب (۱۳۸۳)، نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و غرب آسیا در ژئوپلیتیک انرژی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۱۰ - ۲۰۹.
۱۶. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵)، جغرافیای جهان اسلام، آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیت‌های مسلمان، تهران: انتشارات امام خمینی (ره).
۱۷. محمد عبدالمجید عامر، الثروات المعدنیة فی العالم الاسلامی، ج ۱: ۴۰۹، دن: بحوث المؤتمر الجغرافی الاسلامی الاول.
۱۸. مستوفی‌الممالکی، رضا (۱۳۸۱)، جهان اسلام و نحوه توزیع سرزمین و جمعیت اسلامی (تحلیل آماری جغرافیایی و اجتماعی سیاسی در قالب نواحی اسلامی)، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهرا (س)، س ۱۲، ش ۴۳ پایایی.

منابع انگلیسی:

1. OIC (Organization of Islamic Cooperation)
2. Pacione, M. (1985). Progress in Political Geography. Publication of London.

3. Ivlacost. (1989). Geopolitical Problems, Islam, Sea, Africa. (A. Aghahi, Trans.) Islamic Culture Publication.
4. Taylor, J. (1993). Discretion versus policy rules in practice. Carnegie - Rochester Conference Series on Public Policy.
5. "Middle East-North Africa Overview". 7 October 2009
6. "OPEC", Dec 2013. Accessed, Wayback Machine
7. <https://fa.wikipedia.org>